

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)  
سال چهاردهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶، پیاپی ۳۵

DOI: 10.22051/tqh.2017.12958.1432

## واکاوی تواتر اجمالی و گستره دلالت آن

سید ابوالقاسم حسینی زیدی<sup>۱</sup>  
محمدابراهیم روشن ضمیر<sup>۲</sup>

دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۶

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۱

### چکیده

از آن جا که تواتر روایات یکی از راه‌های اطمینان به صدور آن‌هاست، عالمان دانش درایه، پژوهش‌های دراز دامنی درباره آن انجام داده‌اند اما درباره یکی از گونه‌های نوپیدای آن با عنوان «تواتر اجمالی» تعریف جامع و مانعی ارائه نشده است. از عبارات آنان، سه تعریف برای تواتر اجمالی قابل استفاده است: الف) روایات متعددی که نه در مدلول مطابقی بلکه در مدلول تضمینی یا التزامی با هم مطابقت دارند. ب) علم اجمالی به صدور برخی از روایاتی که دارای مضمون واحد نیستند. ج) روایات زیادی که در لفظ و معنی با

---

۱. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد مقدس (دکترای مدرسی معارف اسلامی) (نویسنده مسئول)

Abolghasem.6558@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد مقدس (دکترای علوم قرآنی و حدیث)

roushan1344@yahoo.com

هم اختلاف دارند و دلالت آن‌ها هم از جهت وسعت و ضیق متفاوت است اما علم اجمالی داریم که برخی از این روایات از معصوم صادر شده است و آن روایت اخص است. برخی از ایرادهای این تعریف‌ها عبارتند از: الف) روشن نبودن وجه تمایز آن با تواتر معنوی؛ ب) تردید در حصول علم به صدور یک روایت نامعین؛ ج) بی‌اثر بودن علم اجمالی به صدور یک روایت نامعین؛ د) بی‌فائده بودن تواتر اجمالی با توجه به اثبات قدر متیقن به دلایل دیگری مانند سیره عقلاء، حدیث صحیح محفوظ به قرائن و...، افزون بر این، بنابر دیدگاه آخوند خراسانی درباره تواتر اجمالی که مقتضای آن را اعتبار روایتی می‌داند که از باقی احادیث در مضمون اخص باشد؛ اگر خبری با این ویژگی وجود داشته باشد که مضمون آن اعتبار خبر ثقه به طور مطلق است، حجیت قول ثقه، ثابت می‌گردد؛ اما وجود چنین خبری تنها صرف فرض است.

### واژه‌های کلیدی: تواتر؛ تواتر اجمالی؛ قدر متیقن؛ قدر مشترک؛

اعتبار روایت.

### مقدمه

سنت در کنار قرآن و پس از آن، مهم‌ترین سرچشمه شناخت دین، کارآمدترین ابزار تبیین آن و شامل‌ترین منبع دریافت آموزه‌های اسلامی است. هر چند نشانه‌هایی از تردید در حجیت سنت یا انکار آن در طول تاریخ اسلام به طور پراکنده دیده می‌شود؛ اما بیشتر نزدیک به تمام مسلمانان در حجیت آن تردیدی نداشته و ندارند و جالب این‌که همه نویسندگان و فرقه‌های اسلامی تلاش می‌کنند اصل حجیت سنت پیامبر (ص) را نزد مسلمانان مسلم‌انگاشته و تنها برخی از فرقه‌ها - به پندار آنان به ظاهر مسلمان و در واقع کافر - را به باور نداشتن به حجیت سنت متهم نمایند. (ر.ک: ابوزهو، ۱۳۷۸، ص ۲۰؛ فوزی عبدالمطلب، ۱۴۰۰، مقدمه، ص ۴؛ عجاج خطیب، ۱۴۰۸، ص ۲)

اما بدون تردید، درباره درستی روایاتی که سنت را برای ما گزارش می‌کنند بحث‌های فراوانی میان حدیث‌پژوهان فریقین در سه محور اعتبار، صدور و فهم آن‌ها در جریان بوده و هست.

روشن است که قبل از هر چیز، باید به اثبات صدور این روایات از معصوم پرداخت و آن‌گاه از سایر جنبه‌های حدیث هم چون اعتبار و تفسیر سخن گفت؛ لذا چگونگی اثبات صدور روایات از معصومان مهم‌ترین چالش پیش روی حدیث‌پژوهان است.

در میان پژوهشگران مسلمان تردیدی نیست که عده‌ای در ساختن، پرداختن و پراکندن حدیث، به انگیزه‌های گوناگون، کوشیده‌اند. بر پایه حدیثی از امام علی (ع)، وضع و جعل در عهد پیامبر آغاز شد؛ (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۰؛ کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۶۲) طبق حدیث مذکور، در زمان پیامبر، به آن حضرت روایات دروغین نسبت می‌دادند، تا آن‌جا که پیامبر به خطابه ایستاد و به مردم هشدار داد که نسبت‌دهندگان دروغ به او بسیار شده‌اند و بدانند که جایگاهشان دوزخ خواهد بود. سپس امیر مؤمنان (ع) افزود که این رفتار ناشایست، پس از آن حضرت نیز گسترش یافت. عالمان اهل سنت این نقل را با طرق بسیار گزارش کرده و حتی بر تواتر آن تأکید کرده‌اند و نشان داده‌اند که این نقل بارهای بار بوده است. (ر.ک: مهدوی راد، ج ۱۲، ص ۷۵۶-۷۷۳)

امامان (ع) در روایات متعددی نسبت به جریان جعل و وضع هشدار داده و با شیوه‌های گوناگون کوشیده‌اند تا امت اسلامی را در این جهت بیاگاهانند. امام صادق (ع) نسبت به فراوانی دروغ بستن بر حضرت علی (ع) هشدار می‌دهد (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۱۹) و از کسانی هم چون مغیره بن سعید و ابوالخطاب که بر امام باقر (ع) دروغ می‌بسته‌اند (کشی، ص ۲۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۱۸) و این‌که او چگونه روایات جعلی را با تزویر و حیل در کتاب‌های اصحاب وارد می‌کرده است، یاد می‌کند! (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۲۹۰)

امام رضا (ع) از فردی به نام بنان نام می‌برد که بر امام سجاد (ع) دروغ می‌بسته است (کشی، ص ۳۰۲) و در روایتی دیگر، شیوه مخالفان در جعل روایات و اهداف آنان را بر ملا می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص ۲۳۶) همین‌گونه، امام باقر (ع) نسبت به توطئه‌های

دشمنان در نسبت دادن برخی کارهای مبالغه آمیز به اهل بیت (ع) دست به افشاگری می‌زند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۱۸)

عالمان حدیث پژوه مکتب اهل بیت (ع) برای اطمینان از صدور روایات و بازشناسی روایات استوار و درست از روایات برساخته، به گسترش دانش درایه و رجال روی آوردند و با دقت و وسواس سند روایات را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دادند هر چند آنان با پیروی از آموزه‌های مکتب اهل بیت (ع)، به بررسی سندی بسنده نکرده و به تبیین معیارهایی برای بازشناسی سره از ناسره پرداختند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۵۰)

از آن جا که تواتر روایات یکی از راه‌های اطمینان به صدور آن‌هاست عالمان دانش درایه و محدثان، بحث‌های دراز دامنی درباره تعریف تواتر، گونه‌ها، شرایط تحقق آن و نتایج و پیامدهای آن انجام داده‌اند. اما به رغم این مباحث گسترده، اصطلاح جدیدی با عنوان «تواتر اجمالی» در میان متأخران از اصولیان و به تبع آنان در میان درایه‌نگاران رواج پیدا کرده است که کم‌تر درباره آن سخن گفته شده است و با وجود برخی مطالب، هم‌چنان دچار ابهام و اجمال است که همین امر موجب بدفهمی و کاربرد نابجای آن را فراهم کرده است.

به گونه‌ای که در سال‌های اخیر، برخی نویسندگان مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها، هرگاه با دسته‌ای از روایات، بویژه روایات اعتقادی و اخلاقی روبرو می‌شوند که نه دارای شرایط تواتر لفظی و معنوی هستند و نه با قرائن اطمینان آور همراه هستند و حتی از شرایط حجیت خبر واحد هم برخوردار نیستند، ادعای تواتر اجمالی آنها را مطرح می‌کنند.

از شیوه استدلال آنان چنین بر می‌آید گویا همین قدر که در باره دسته‌ای از روایات بگوییم بعید است یکی از آنها از معصوم صادر نشده باشد برای اثبات تواتر اجمالی همه آن روایات کفایت می‌کند! بنابراین شایسته است این اصطلاح به طور دقیق تعریف شده شرایط تحقق آن و پیامدهای آن برنمایانده شود تا روشن شود آن‌چه امروزه به نام تواتر اجمالی شناخته می‌شود چه تفاوتی با سایر گونه‌های تواتر دارد و از چه جایگاهی برخوردار است.

## ۱. متواتر در لغت و اصطلاح

ریشه این واژه از «وتر»، به معنای تنها و یگانه است (ابن قتیبه، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۳۲۱) و در معنای نقص<sup>۱</sup> هم به کار رفته است. (طریحی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۴۶۲) تواتر، در لغت، به معنای به دنبال هم آمدن چند چیز (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۴۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۵۱۱) و پی یکدیگر با مهلت و فاصله آمدن می‌باشد. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۷۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۸۴) چنان که در قرآن به همین معنا به کار رفته است (ر.ک: زهیر، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۲): «ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا» (مؤمنون، ۴۴)

در علم درایه الحدیث<sup>۲</sup>، قبل از ذکر نمودن تقسیمات متنوع در مورد احادیث، روایت را - به لحاظ شمار روایان در هر طبقه - به متواتر و آحاد تقسیم می‌نمایند. (ر.ک: صدر، بی تا، ج ۱، ص ۹۷؛ سبحانی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۱) درباره خبر متواتر، چند تعریف بیان شده است:

**تعریف اول:** «خبر گروهی که به تنهایی موجب مفید علم (قطع) به درستی آن شود». (عاملی، بی تا، ص ۱۸۳؛ شیخ بهایی، ۱۳۹۰، ص ۴؛ صدر، بی تا، ص ۹۷) ایراد این تعریف این است که به اصطلاح "غیر مطرّد" است، یعنی شامل مواردی می‌شود که متواتر نیستند و کسی آن‌ها را متواتر نمی‌داند مانند این که سه نفر از حادثه‌ای خبر دهند و از گفته آنان علم به درستی آن خبر حاصل شود؛ بنا بر این تعریف، لازم می‌آید خبرهایی از این دست نیز متواتر باشند در حالی که بدیهی است این قسم، متواتر نیست.

**تعریف دوم:** «خبری که توسط افراد زیادی نقل شده که معمولاً هماهنگی و اتفاق آنان بر دروغ ممکن نیست» (شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۵۹؛ قاسمی، ۱۴۰۷، ص ۱۵۱؛ عجاج خطیب، ۱۴۰۹، ص ۳۰۱؛ صبحی صالح، ۱۳۹۱، ص ۱۴۶؛ عتر، ۱۴۱۸، ص ۴۰۴؛ مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۴، ص ۳۲) اشکال این تعریف این است که علم به نبود هماهنگی خبردهندگان بر دروغگویی یا نبود علم به هماهنگی آنان، دلیل بر راستی خبر نیست زیرا

۱. در آیه شریفه «وَلَوْلَا دَرَجَاتُ الْعِلْمِ» (محمد، ۳۵) به همین معنا آمده است.

۲. خطیب بغدادی در الکفایه، برای نخستین بار اصطلاح متواتر را به عنوان قسم خبر آحاد به عنوان یکی از مصطلحات علم الحدیث مطرح نمود. (خطیب بغدادی، ۱۳۹۰، ص ۳۲)

دروغ گویی دارای انگیزه‌ها و اسباب دیگری مانند دوستی و دشمنی (حب و بغض) نیز می‌باشد... (سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۲۶)

**تعریف سوم:** (تعریف گزیده) با توجه به ایراد تعریف دوم، آیه الله سبحانی پیشنهاد می‌کند به تعریف پیشین، این قید افزوده شود: «با فراوانی خبردهندگان و قابل اعتماد بودن آنان یا نبود انگیزه دروغگویی و یا غیر آن، اطمینان به راستی خبر احرار می‌شود» (سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۲۶). از آنجا که شواهد فراوان تاریخی و واقعیت‌های موجود نشان از آن دارد که صرف فراوانی خبردهندگان نمی‌تواند باعث بوجود آمدن اطمینان لازم از درستی و راستی خبر باشد؛ افزودن این قید در تعریف تواتر ضروری است.

## ۲. شروط تواتر

شروط تواتر به دو قسم تقسیم می‌شود: شروط تحقق متواتر (مقدمات تواتر) و شروط حصول علم از متواتر؛ قسم اول یعنی شروط تحقق تواتر عبارتند از:

۱) فراوانی خبردهندگان به اندازه‌ای باشد که توافق آن‌ها بر دروغ امکان نداشته باشد.<sup>۱</sup> (سید مرتضی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۸۴؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۴۹؛ شیخ بهایی، ۱۳۹۰، ص ۴؛ و نیز ر.ک: بروجردی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۵۰).

۲) تحقق تواتر در تمام طبقات (شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۱۲؛ ابن صلاح شهرزوری، ۱۴۰۶، ص ۲۶۷؛ خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱۳؛ مظفر، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۶۲)؛

۳) مستند بودن خبر به حس؛

۴) مستند بودن خبر به علم؛ (سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۳۱). بعضی از اصولیان گفته‌اند عادل بودنِ راویان در حدیث متواتر لازم نیست (سید مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۳۱۱)؛

---

۱. آیه الله سبحانی این قید را کافی نمی‌داند بلکه افزون بر این باید این افراد دارای انگیزه واحد و منافع مشترک نباشند. (سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۳۱) برخی پیروی نکردن همه مخبران از مذهب معین، اختلاف مخبران از نظر نسب و انتساب نداشتن همه آن‌ها به یک شهر را هم در زمره شرایط حصول تواتر آورده‌اند (ر.ک: محقق حلی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۳۹؛ حائری اصفهانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۶۸) که البته وجود این شرایط به نحوی ارشاد بر عدم ارتباط راویان حدیث با همدیگر می‌باشد و این احتمال که امکان دارد انگیزه مشترکی برای انتساب دروغ در آن زمینه وجود داشته باشد را ضعیف می‌گرداند و لذا سبب می‌گردد تا تواتر سریع‌تر محقق شود. (هاشمی شاهرودی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۳۳)

خمینی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۱۹؛ ر.ک: صدر، بی تا، ص ۱۰۱؛ قاسمی، ۱۴۰۷، ص ۱۵۱؛ صبحی صالح، ۱۳۹۱، ص ۱۵۰).

شرائطی همچون اطلاع نداشتن شنونده از مضمون خبر و نداشتن اعتقاد به کذب و یا رد مضمون خبر، جزو شروط حصول علم از تواتر شمرده شده اند. (تبریزی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۲۸۸؛ مدیر شانه چی، ۱۳۸۴؛ سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۳۲)

### ۳. گونه‌های تواتر

بیشتر اصولیان و درایه نگاران پیشین، متواتر را به دو نوع لفظی و معنوی تقسیم نموده‌اند اما برخی از پسینان، متواتر را به تفصیلی (لفظی و معنوی) و اجمالی تقسیم کرده اند (ر.ک: منتظری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۸۷؛ سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۳۶) و برخی آن را دارای سه قسم لفظی، معنوی و اجمالی دانسته‌اند. این اصطلاح در کتب اصولی و حدیثی اهل سنت به کار نرفته است (ر.ک: قاسمی، ۱۴۰۷، ص ۱۵۱؛ عتر، ۱۴۱۸، ص ۴۰۵).

### ۳-۱. تواتر لفظی

خبری است که همه ناقلین، مضمون آن را به یک لفظ نقل کرده باشند. (مدیر شانه چی، ۱۳۸۴؛ ر.ک: مامقانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶۲) به عبارت دیگر، در تواتر لفظی، خبرهای متعدد در مدلول مطابقی اشتراک دارند (صدر، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۴۳).

برخی بر این باورند که متواتر لفظی یا اصلاً وجود ندارد و یا بسیار کم است (ابن صلاح شهرزوری، ۱۴۰۶، ص ۱۶۲؛ صبحی صالح، ۱۳۹۱، ص ۱۴۸؛ شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۶۶). در برابر، کسانی بر این پندارند که روایات متواتر لفظی زیادند<sup>۱</sup> (ابن حجر العسقلانی، ۱۴۳۲، ص ۴۱).

---

۱. شهید ثانی در کتاب «الرعايه» از این ادعای ابن حجر تعجب کرده، می‌گوید: ادعای غریبی است. (شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۶۶) برخی از صاحب نظران، خواسته‌اند میان این دو نظریه (سلب و ایجاب) جمع کنند؛ از جمله دکتر عتر می‌نویسد: «مقصود ابن صلاح که منکر وجود حدیث متواتر است، تواتر لفظی است و مقصود ابن حجر که مدعی وجود آن است، تواتر معنوی است» (عتر، ۱۴۱۸، ص ۴۰۷)

در برابر این دو دیدگاه، نظریه اعتدالی مرحوم صدر قرار دارد که عقیده دارد گفته ابن صلاح افراط، و گفتار ابن حجر و سیوطی، تفریط است و مذهب حق آن است که اجمالاً در میان عامه و خاصه، روایاتی وجود دارد که متواتر لفظی هستند، مانند: حدیث غدیر خم و حدیث منزلت در میان خاصه، و حدیث من کذب ... که در میان عامه و خاصه متواتر لفظی است. (صدر، بی تا، ص ۱۰۰)

### ۲-۳. متواتر معنوی

این گونه تواتر که گاه در منابع متقدم، از آن با اصطلاح «تواتر الإشارة» یاد شده است، (پاکتچی، ۱۳۷۲، ج ۱۶، مقاله شماره ۶۱۴۲) آن است که مورد تواتر قدر مشترک چند خبر باشد و به عبارت دیگر مضمون چند حدیث یکی، ولی قالب الفاظ آن‌ها متفاوت باشد. (سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۳۵؛ مدیر شانه چی، ۱۳۸۴، ص ۳۷) بنابراین، تواتر لفظی و معنوی یک چیز را بیان می کنند اما در تواتر لفظی الفاظ یکی است و در معنوی الفاظ متعدد هستند. در بیشتر مواردی که ادعای تواتر شده است الفاظ روایت متفاوت می باشد ولی وقتی به مفاهیم تضمینی یا التزامی آن‌ها توجه شود، یک مفهوم و مدلول مشترک را بدست می دهد. (عاملی، بی تا، ص ۱۸۶؛ صدر، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۴۱)

نمونه های متواتر معنوی زیاد است، مانند اخبار زیادی با کلمات متفاوت در مورد شرکت امام علی (ع) در سرایا و غزوات که مضمون همه آن‌ها بطور متواتر بر شجاعت آن حضرت دلالت می نماید. (ر.ک: محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۱۴۰) روایات مربوط به ظهور امام زمام (ع)،<sup>۱</sup> اخبار در مورد اصول شریعت (مانند وجوب نمازهای یومیه و تعداد رکعت های آن و اصل وجوب زکات و حج) نیز همین گونه اند. (شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۶۶)

روایات متواتر معنوی گاهی با دلالت تضمینی و گاهی با دلالت التزامی بر یک مفهوم دلالت می کند. (رحمانی، ۱۳۷۶، شماره ۵، ص ۱۴۸)

۱. ر.ک: طوسی، محمد بن حسن، الغیبه؛ کورانی، علی، معجم أحادیث الإمام المهدي؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱ و ۵۲.



### ۳-۳. تواتر اجمالی

برخی این اصطلاح را از نوآوری‌های آخوند خراسانی دانسته و بیان داشته‌اند اثری از آن در کتاب‌های درایه به چشم نمی‌خورد. (جزایری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۲۳؛ حلی، ۱۴۳۲، ج ۶، ص ۴۵۲) آخوند این اصطلاح را در کتاب کفایه الاصول و حاشیه فرائد الاصول به کار برده و برای اثبات حجیت خبر واحد به آن استدلال کرده، می‌نویسد:

«بر استدلال به این روایات بر حجیت خبر واحد اشکال شده است که این روایات خبر واحد می‌باشند و تواتر لفظی یا معنوی ندارند زیرا اتفاق بر یک لفظ یا معنی ندارند ولی این اشکال دفع می‌شود به این که این اخبار اگرچه تواتر لفظی یا معنوی ندارند لکن تواتر اجمالی دارند لذا استدلال به این روایات، استدلال به خبر واحد نیست بلکه استدلال به خبر متواتر می‌باشد». (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۰۲؛ همان، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۴۷)

ایشان در مبحث قاعده لاضرر هم با استدلال به احادیثی که در مورد اثبات این قاعده وارد شده است می‌آورد: «از این روایات تعبیر به اخبار متواتر شده است اگرچه در یک لفظ و یک معنی اتفاق ندارند؛ ظاهراً مرادشان تواتر اجمالی می‌باشد به این معنا که به صدور برخی از آن‌ها قطع داریم و این ادعا به نظر ما نیز صحیح می‌باشد» (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۸۰)

هر چند به نظر مشهور، آخوند خراسانی برای اولین بار این اصطلاح را به کار برده و پس از ایشان، این اصطلاح به کتاب‌های درایه راه یافته است؛ اما به نظر می‌رسد شیخ انصاری به این مفهوم توجه داشته است آنگاه که درباره ادعای تواتر صاحب وسائل نسبت به روایات حجیت خبر واحد می‌گوید: «قدر متیقن از این روایات، خبر ثقه ای است که احتمال دروغ بودن آن آنقدر کم است که عقلاً به این احتمال اعتنا نمی‌کنند و توقف در آن را به خاطر این احتمال زشت می‌شمارند...» (انصاری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۰۹)

### ۳-۳-۱. تعریف تواتر اجمالی

پیش تعریف تواتر اجمالی، یادکرد این نکته ضروری است کسانی که تواتر اجمالی را قبول دارند تعریف جامع و مانعی از آن ارائه نکرده‌اند اما از برخی عبارات و نیز

چگونگی استدلال آنان به تواتر اجمالی، تا حدودی می‌توان دریافت که آنان چه تلقی از تواتر اجمالی داشته‌اند اگرچه عبارات آنان از آشفتگی عجیبی رنج می‌برد.

### ۳-۳-۱- هماهنگی در مدلول تضمینی و التزامی

تواتر اجمالی عبارتست از: «روایات متعددی که نه در مدلول مطابقی بلکه در مدلول تضمینی یا التزامی با هم مطابقت دارند» (المعجم الاصولی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۸۵) از آنجا که در همه این روایات قدر جامعی وجود دارد که این روایات از آن خبر می‌دهند، آن را متواتر اجمالی نامیده‌اند.<sup>۱</sup> (حسینی فیروزآبادی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۱۹۴)

### ۳-۳-۲- علم به صدور یک روایت نامعین

«علم به صدور برخی از مجموعه روایاتی که دارای مضمون واحد نیستند» (مصباح الاصول، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۹۳؛ المعجم الاصولی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۸۶؛ ایروانی، ۲۰۰۷، ج ۲، ص ۳۷) به این معنا که روایات بگونه‌ای هستند که به واسطه اثبات صدق یکی از آنها به طور نامشخص، علم اجمالی حاصل می‌گردد؛ و لذا یقین در تواتر اجمالی به واسطه حساب احتمالات حاصل می‌گردد، بر خلاف آن‌چه که مشهور گمان می‌کنند.

به عنوان نمونه، اگر در میان روایات یکی از کتب حدیثی در مورد وجود صد حدیث دروغ، علم اجمالی داشته باشیم و بطور اتفاقی صد حدیث را از باب‌های مختلف آن کتاب جدا کنیم، این احتمال که تمام آن صد حدیث دروغ باشند، بسیار ضعیف است؛ در طرف مقابل، احتمال صحیح بودن یکی از آن روایات، خیلی زیاد است، بگونه‌ای که بتوان ادعای حصول اطمینان در مورد صحت یکی از این صد روایت را مطرح نمود؛ همین مطلب سبب تحقق تواتر اجمالی می‌گردد. (ر.ک: صدر، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۴۰)

۱. می‌توان گفت: همه کسانی که برگشت تواتر اجمالی را به تواتر معنوی می‌دانند همین تعریف را از تواتر اجمالی

دارند. (ر.ک: مدیر شانه چی، ۱۳۸۴، ص ۳۷)

### ۳-۱-۳-۳. اختلاف در لفظ و معنا و هماهنگی در قدر مشترک

تواتر اجمالی عبارتست از روایات زیادی که در لفظ و معنی با هم اختلاف دارند و دلالت آن‌ها هم از جهت وسعت و ضیق متفاوت است اما علم اجمالی داریم که برخی از این الفاظ از معصوم صادر شده است. (مشکینی اردبیلی، ۱۴۱۳، ص ۱۴۲) به عبارت دیگر اگر خبرهای متعدد از نظر عموم و خصوص اختلاف داشته باشند، قدر مشترک و قدر متیقن از مجموع خبرهای «مختلف الدلالة» متواتر اجمالی می‌باشد؛ (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۰۲؛ همان، ۱۴۱۰، ص ۷۰ و نیز ر.ک: بحرانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۸۵) مانند آن که اگر روایتی در مورد اعتبار خبر مؤمن و روایت دیگری در مورد اعتبار اخبار شخص ثقه و روایت سوّمی درباره معتبر بودن خبر عادل وارد شده باشد، از مجموع این سه حدیث، یقین به حجیت اخبار عادل حاصل می‌گردد. (خوئی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۹۲؛ و نیز ر.ک: حسینی فیروزآبادی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۱۹۵؛ جلالی مازندرانی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۷۳)

بنابراین، وجه تمایز تواتر اجمالی با تواتر معنوی روشن است؛ در تواتر معنوی خبرهای متعدد در دلالت تضمینی یا التزامی اشتراک دارند اما بر پایه این تعریف از تواتر اجمالی، خبرها در هیچ کدام از این دو قسم دلالت اشتراک ندارند هر چند در برخی لوازم دارای اشتراک هستند اما از آن جا که این لازم، جزو لوازم بعیده هستند به حد دلالت التزامی نمی‌رسد.

به عنوان نمونه، از آن جا که خبرهای متعدد درباره دیدن هلال اوّل ماه در زمان‌های متفاوت، در دلالت تضمینی (دیدن هلال) اشتراک دارند و خبرهای فراوان از حضور حضرت علی (ع) در جنگ‌ها، در لازمه آن که شجاعت آن حضرت باشد با هم اشتراک دارند، متواتر معنوی هستند؛ اما در روایات متعددی که درباره خبر واحد رسیده در هیچ یک از دلالت‌های سه گانه اشتراک ندارند هر کدام در دلالت خود با دیگری متفاوت است:

الف) دسته‌ای از این روایات، بعضی از اصحاب را به بعض دیگر ارجاع می‌دهد (حر

عاملی، بی تا، ج ۲۷، ص ۱۴۲)

ب) دسته‌ای دیگر بر واجب بودن مراجعه به راویان دلالت می‌کند (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۱۴۳)

ج) دسته سومی تشویق به نوشتن و رساندن آن به دیگران می‌کند (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۸۱)

د) دسته چهارمی در مذمت دروغ بستن به امامان است (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۲۴۹)

ه) دسته پنجمی در بیان مرجحاتی است که در مورد تعارض ادله وارد شده است (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۱۰۶)؛ حال اگر خبر واجد حجت نبود دیگر جایی برای ارجاع اصحاب به یکدیگر، تشویق به نوشتن، نگرانی از دروغ بستن، فرض تعارض و ذکر مرجحات وجود نداشت.

بنابراین همه این روایات در قدر متیقن (دلالت اخص) که عبارت از خبر فقیه ثقه امامی باشد اشتراک دارند؛ به نظر می‌رسد همین تعریف منظور آخوند خراسانی بوده است.<sup>۱</sup> (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۰۲)

برخی از محققان هم به گونه‌ای از تواتر اجمالی سخن گفته‌اند که مشخص نیست کدام تعریف مورد نظر آنان بوده است بخشی از مطالب آنان به یک تعریف و بخشی به تعریف دیگری اشاره دارد. (ر.ک: مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۴؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۳۹).

### ۳-۳-۲. شرایط تحقق تواتر اجمالی

تمام شرایطی که پیش از این از آن‌ها با عنوان شرایط تحقق تواتر و شرائط حصول علم از تواتر نام بردیم، در تواتر اجمالی نیز معتبر است.

۱. «إلا إنه يشكل الإستدلال بها على حجية أخبار الآحاد يأنها أخبار آحاد، فإنها غير متفقّة على لفظ ولا على معنى فتكون متواترة لفظاً أو معنى؛ و لكنه مندفع يأنها و إن كانت كذلك إلا إنها متواترة إجمالاً ضرورة إنه يعلم إجمالاً بصدور بعضها منهم و قضيته و إن كان حجية خبر دلّ على حجية أخصها مضموناً إلا إنه يتعدى عنه فيما إذا كان بينها ما كان بهذه الخصوصية و قد دلّ على حجية ما كان أعم، فافهم» (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۰۲)

### ۳-۳-۳. بررسی و نقد تواتر اجمالی

۱) اگر منظور از تواتر اجمالی اشتراک و اتفاق نظر خبرها در دلالت تضمینی یا التزامی است (تعریف اول)، این سوال پیش می‌آید که چه تفاوتی با تواتر معنوی دارد؟ تفاوت تواتر معنوی با تواتر لفظی در همین نکته نهفته است که در تواتر لفظی، روایات در مدلول مطابقی اشتراک دارند و در تواتر معنوی در مدلول تضمینی یا التزامی اشتراک دارند؛ مانند این که اگر تعداد زیادی از افراد ادعای دیدن هلال اول ماه را داشته باشند اما در زمان دیدن آن با هم اختلاف داشته باشند.

از آن جا که این افراد در بخشی از مدعای خود (دیدن ماه) با هم دلالت توافق دارند اگرچه در بخش دیگر آن (زمان دیدن) با هم اختلاف نظر دارند تواتر معنوی محقق شده است. یا اگر در دلالت تضمینی هم اتفاق نداشته باشند اما در دلالت التزامی با هم اشتراک نظر داشته باشند باز هم تواتر معنوی محقق شده است مانند خبرهای زیادی که درباره حضور حضرت امیر (ع) در جنگ‌ها گزارش شده است که این گزارش‌ها نه در دلالت مطابقی و نه در دلالت تضمینی با هم هماهنگی ندارند (گزارش‌ها درباره حادثه‌های جداگانه است)؛ اما در دلالت التزامی یعنی شجاعت آن حضرت با هم اشتراک دارند. بنابراین اشتراک خبرهای متعدد در بخشی از دلالت یا در قدر متیقن (قدر مشترک) از شرایط تحقق تواتر معنوی است.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد آن دسته از عالمان دانش مصطلح الحدیث که از تواتر اجمالی نام برده‌اند<sup>۲</sup> یا آن دسته از آنان و نیز اصولیانی که تواتر را منحصر در تواتر لفظی و معنوی دانسته و بازگشت تواتر اجمالی را به تواتر معنوی می‌دانند (مدیر شانه چی، ۱۳۸۴، ص ۳۷) و

---

۱. یادکرد این نکته ضروری است که در صورتی دلالت تضمینی یا التزامی مفید خواهد بود که مفاد هر خبر، مفاد و مدلول خبر دیگر را نفی نکند؛ برای نمونه اگر گروهی مدعی دیدن ماه شوند اما در برخی اوصاف با هم اختلاف داشته باشند به عنوان نمونه عده‌ای ادعا کنند هلال رو به بالا بوده و عده‌ای دیگر آن را رو به پایین توصیف کنند، نمی‌توان گفت آنان در دلالت تضمینی (دیدن ماه) با هم اتفاق نظر دارند!

۲. در نگاه‌های درایه الحدیثی پیشین اثری از تواتر اجمالی نیست و برخی از درایه نگاران معاصر هم چون سید حسن صدر، عبدالهادی الفضلی و ... تواتر را منحصر در تواتر لفظی و معنوی دانسته‌اند. (صدر، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۷؛ ر.ک:

در نتیجه وجود تواتر اجمالی را انکار کرده‌اند، به این تعریف از تواتر اجمالی نظر داشته‌اند. مرحوم نایینی،<sup>۱</sup> (نائینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۱۱۳) علامه طباطبایی (طباطبائی، بی تا، ج ۲، ص ۲۳۷) و برخی دیگر از اصولیان (جزایری، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۴۹۷ و ج ۴، ص ۴۲۴) از این جمله‌اند.

۲) اگر تعریف دوم را برای تواتر اجمالی در نظر بگیریم یعنی علم اجمالی به درستی و صدور یک روایت از مجموعه‌ای از روایات که با هم در هیچیک از انواع دلالات سه‌گانه اشتراک ندارند،<sup>۲</sup> مانند این که اجمالاً می‌دانیم همه روایات کتابی مانند وسائل الشیعه یا یکی از ابواب آن نمی‌تواند دروغ باشد، دست کم برای ما علم حاصل می‌شود که یک یا چند روایت آن از امام صادر شده است - این تعریف دارای چهار ایراد و اشکال است:

**الف)** این که از فراوانی مجموعه‌ای از روایات که هیچ‌گونه اشتراکی با هم ندارد، علم به صدور یک روایت از معصوم حاصل شود جای تردید جدی دارد زیرا اگر به هر یک از احادیث به تنهایی نظر بیندازیم، امکان درستی و دروغ در هر یک از آن روایات وجود دارد بویژه با توجه به این که این روایات هیچ ارتباطی به هم ندارند؛ (نائینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۱۱۳) هر چند بعید است همه آن روایات دروغ باشد اما این احتمال مادام که به حد قطع یا دست کم اطمینان نرسد فائده‌ای ندارد.

در پاسخ به این ایراد گفته شده است: احتمال وارد شدن صدق و کذب در هر روایت به تنهایی، هیچ تعارض و منافاتی با علم اجمالی به صادر شدن بعضی یا یکی از آن احادیث ندارد و گرنه باید تواتر لفظی و معنوی را هم منکر شد چرا که اگر مناط و ملاک را توجه

۱. «لا یخفی أن الأخبار إذا بلغت من الكثرة ما بلغت فإن كان بينها جامع يكون الكل متفقاً على نقله فهو راجع إلى التواتر المعنوی وإلا فلا وجه لحصول القطع بصدق واحد منها بعد جواز كذب كل واحد منها في حد نفسه و عدم ارتباط بعضه ببعض فالحق هو إنحصار التواتر في القسمین الأولین لا غیر».

۲. امکان دارد که در لوازم بعیده که از آن‌ها به «لازم غیر بین» یا «بین به معنی الأعم» تعبیر می‌شود، اشتراک داشته باشند مانند این که همه این گزارش‌ها، مربوط به احکام شرعی هستند و یا ... اما روشن است که اشتراک در این لوازم به معنای اشتراک در دلالت التزامی نیست زیرا آن‌گاه دلالت التزامی محقق خواهد شد که لازم آن «بین بمعنی

الأخص» باشد. (ر.ک: مظفر، ۱۳۸۸، ص ۴۰)

به هر روایت بطور مستقل بدانیم، امکان صدق و کذب در آن هم راه می‌یابد به این معنا که در مورد این دو قسم از تواتر هم یقین به صادر شدن تک تک احادیث وجود ندارد و امکان صدق و کذب هر یک از آن‌ها مطرح است. (ر.ک: جواهری، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۱۷۹؛ واعظ الحسینی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۹۳؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۸۵؛ روحانی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۵۵)

اما روشن است که مقایسه تواتر اجمالی با تواتر لفظی و معنوی به هیچ وجه درست نیست زیرا درست است که در تواتر لفظی و معنوی نیز امکان صدق و کذب هر روایت به تنهایی وجود دارد اما از آن‌جا که در یکی از انواع دلالت‌های سه‌گانه با هم اشتراک دارند، فراوانی این روایت‌ها موجب تقویت آن وجه اشتراک می‌شود اما در این تعریف از تواتر اجمالی، هر چند روایت‌ها متعدد هستند اما هیچ ارتباطی به هم ندارند و در نتیجه فراوانی آن‌ها هیچ‌گونه هم‌افزایی ایجاد نمی‌کند.

**ب)** بر فرض این که علم به صدور یک یا چند روایت از معصوم حاصل شود اما نمی‌توان بر آن عنوان تواتر نهاد؛ درست مانند این که از خبر واحد محفوف به قرینه ممکن است علم به درستی روایتی حاصل شود اما روشن است که نمی‌توان بر آن نام تواتر نهاد.

**ج)** اگر در اندک مواردی هم علم اجمالی به صدور یک روایت از معصوم حاصل شود در بیشتر موارد، از فراوانی روایاتی که هیچ وجه اشتراکی ندارند علم به صدور دست کم یک روایت پیدا نمی‌شود بلکه در بسیاری از موارد بویژه در مواردی که احتمال جعل و وضع می‌رود مانند روایات «من بلغ»، از صرف احتمال فراتر نمی‌رود.

**د)** بر فرض این که از میان ده‌ها، صدها و هزاران روایت، علم به صدور یک روایت از معصوم پیدا شود، علم اجمالی به صدور یک روایت که نه اصل آن مشخص است و نه محتوای آن تعیین شده و نه از میزان دلالت آن خبر داریم، چه اثری می‌تواند داشته باشد؟ اگرچه علم اجمالی موجب احتیاط می‌شود اما آن‌چه از سیره عقلا بدست می‌آید این است که برای وجوب احتیاط، اطمینان تفصیلی لازم است و اطمینان اجمالی کفایت نمی‌کند.<sup>۱</sup>

۱. مرحوم ابروانی در این زمینه می‌آوردند: «نعم ببقی شیء و هو انه بعد حصول الاطمئنان بصدق واحد من الاخبار المائة العشوائية فهل يكون هذا الاطمئنان حجة حتى يجب بسببه الاحتياط او لا؟ والجواب: ان مدرک حجة الاطمئنان

۳) تعریف سوّم هم دارای ایراد است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

**الف)** بر پایه این تعریف نیز تفاوت ماهوی بین تواتر اجمالی با تواتر معنوی وجود ندارد همان‌طور که در تواتر معنوی وجه اشتراکی بین روایت‌ها وجود دارد در این تعریف از تواتر اجمالی هم بین روایت‌های متعدد وجه اشتراک وجود دارد. البته قرار دادن عنوان جدید (تواتر اجمالی) برای این قسم که وجه اشتراک با گونه‌ای تحلیل از مجموع روایات برداشت می‌شود، ایرادی ندارد.

**ب)** از آن‌جا که در تواتر اجمالی (بر پایه تعریف سوّم) باید به مفاد اخص این روایات (به روایتی که واجد همه خصوصیات باشد) عمل کرد وجود یا عدم وجود تواتر چندان مفید فائده نیست چه این که نوعاً تردیدی در دلالت اخص وجود ندارد. در تمامی موارد ادعایی بر طبق توضیحاتی که داده شده است باید به قدر متیقن و قدر مشترک تمامی روایات عمل نمود که در تمام موارد، قدر متیقن از روایات به واسطه دلیل دیگری مانند سیره عقلاء، حدیث صحیح محفوف به قرائن و ... قابل اثبات است.

برای نمونه در بحث حجیت خبر واحد - که ظاهرترین و بارزترین مورد در تواتر اجمالی است - ادعای تواتر اجمالی شده است؛ (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۰۲؛ عراقی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۳۶؛ روحانی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۹۴) قدر متیقن و قدر مشترک از تمام این روایات آن است که اگر خبر واحد را روای شیعه فقیه عادل بدون واسطه نقل کند معتبر و حجت خواهد بود؛ (واعظ الحسینی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۹۴)

اما در مورد حجیت این خبر نیازی به تواتر اجمالی نداریم بلکه سیره عقلاء برای حجیت چنین خبری (با تمام شرایط) کفایت خواهد کرد (رک: خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱۱) یا آن‌که به زعم برخی با وجود تواتر اجمالی باید احتیاط کرد که بدون وجود

هو السیره العقلانیة، فان العقلاء جرت سیرتهم علی الاخذ بالاطمئنان و اذا رجعنا الی العقلاء فلا نجزم بحریان سیرتهم علی الاخذ بالاطمئنان الاجمالی - ای الاطمئنان بصدور واحد غیر معین من الاخبار - بل القدر المتیقن جریان سیرتهم علی التمسک بالاطمئنان التفصیلی ای الاطمئنان بصدور خبر معین خاص؛ و معه فلا یکون التواتر الاجمالی مجدداً؛



تواتر اجمالی هم، احتیاط کردن معلوم و روشن است و باز هم حاجتی به اثبات تواتر اجمالی نخواهد بود. (ایروانی، ۲۰۰۷، ج ۲، ص ۳۹)

یا در مورد قاعده «لا ضرر<sup>۱</sup>» هم ادعای تواتر اجمالی شده است. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۶۶؛ أنصاری، ۱۴۱۴، ص ۱۱۲؛ بجنوردی، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۱؛ محقق داماد، ۱۴۰۶، ص ۱۳۶؛ ذهنی تهرانی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۵۷) و با تتبع در موارد عدیده اطمینان پیدا می شود که این حدیث شریف از پیامبر اکرم وارد شده است.<sup>۲</sup>

بر فرض قبول تواتر اجمالی<sup>۳</sup> در این روایت باید به قدر متیقن از ضرر داشتن عمل گردد که قدر مشترک از ضرر داشتن جایی است که از نظر عقل و عرف برای تمام افراد (ضرر نوعی) در احکام کلی و لزومیه،<sup>۴</sup> ضرر مورد نظر اثبات شده باشد. این مقدار از دلالت برای قاعده لا ضرر، نیازی به اثبات تواتر اجمالی ندارد بلکه سیره تمامی عقلاء بر آن است در جایی که ضرر نوعی از نظر عقل و عرف در احکام لزومیه برای تمام افراد وجود داشته باشد، قطعاً چنین ضرری را شارع جعل نکرده و راضی به آن نمی باشد.

یاد کرد این نکته ضروری است که آخوند خراسانی مطلبی را در ادامه بحث تواتر اجمالی آورده است که نوعاً از آن غفلت شده است و جای بررسی دارد؛ وی می نویسد: مقتضای تواتر اجمالی، اعتبار روایتی است که از باقی احادیث در مضمون اخص باشد (روایت فقیه امامی ثقه بدون واسطه)؛ حال اگر خبر یا اخباری با این ویژگی و خصوصیت وجود داشته باشد که دلالت بر اعتبار خبر ثقه به طور مطلق کند، حجیت قول ثقه به طور مطلق، ثابت می گردد. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۰۲)

۱. بر پایه داستان سمره بن جندب است که در ذیل آن، جمله «لا ضرر و لا ضرار» دیده می شود. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵،

ص ۲۸۱؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۰۳؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۱۴۷)

۲. باید دانست روایات دیگری نیز از ائمه اطهار نقل شده اند که هر چند در آن ها جمله فوق الذکر نیامده است ولی

روایت از نظر معنا و مدلول بر آن استوار است. (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۲۹۳)

۳. برخی تواتر این روایت را نپذیرفته اند (ر.ک: هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۴۳۷)

۴. احکام لزومیه عبارت است از وجوب و حرمت و احکام ترخیصیه حکمی است که متضمن الزام و وجوب و حرمت

نباشد. (ر.ک: واعظ الحسینی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۵۳۳)

اما به گمان بسیاری از اصولیان چنین خبری وجود ندارد و تنها صرف فرض است: «ثم إني لم أجد فيها رأيت من أخبار الثقات ما يدل على حجية ما هو أعم من ذلك فلا بد من التتبع والتأمل» (حکیم، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۳۳ و نیز ر.ک: خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱۱؛ ایروانی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۷۷) بر فرض این که درباره حجیت خبر واحد چنین روایتی وجود داشته باشد منحصر به این بحث بوده و در سایر موارد چنین وضعیتی قابل تحقق نیست.

تواتر اجمالی ادعایی آخوند خراسانی درباره روایات مربوط به حجیت خبر واحد در نمودار زیر قابل تصویر است:

خبرهای متعدد درباره حجیت خبر واحد ← برداشت (اخص دلالة) قدر مشترک از این خبرها = حجیت خبری که واجد تمام خصوصیات باشد (خبر فقیه امامی عادل بدون واسطه) ← دلالت خبر فقیه امامی عادل بدون واسطه بر حجیت خبر ثقه مطلقاً (نتیجه تواتر اجمالی = حجیت خبر مطلقاً "خبر ثقه‌ی فاقد سایر خصوصیات")

ج) در بسیاری از مواردی که ادعای تواتر اجمالی شده است هر چند روایت‌های نسبتاً زیادی درباره آنها وجود دارد اما به دشواری به حدی می‌رسند که از کثرت آنها علم به صدور آنها حاصل شود بویژه در مواردی که داعی بر دروغ‌گویی وجود داشته است. طبق جستجو و استقراء صورت گرفته در مورد بیش از ۵۰ مطلب در احکام فقهی و قواعد اصولی تصریح به تواتر اجمالی شده است.

برخی از مواردی که درباره آنها ادعای تواتر اجمالی شده است عبارتند از: احادیث رؤیت هلال (ر.ک: خوئی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۶۵؛ فیاض، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۲۴؛ جزایری، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۲۱۱)؛ روایات «من بلغ» (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۳۳۰)؛ روایات مربوط به ولایت فقیه (ر.ک: خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۰۴)؛ روایات بلوغ دختر در نه سال (ر.ک: سبحانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۸۰)؛ احادیث مشروعیت قرعه (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۳۰)؛ روایات جواز تقلید (خوئی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۹).

حتی اگر در همه این موارد از نظر فراوانی روایات، ایرادی وجود نداشته باشد مشخص نیست بر پایه کدام تعریف، ادعای تواتر اجمالی شده است. همانطور که پیش از این گفته شد همه تعریف‌های تواتر اجمالی دارای ایراد است بویژه اینکه اگر در بحث

حجیت خبر واحد بر پایه یک فرض (روایت دارای تمام خصوصیات "اخص دلالة"، دلالت بر حجیت خبر واحد به طور مطلق کند) می توان از تواتر اجمالی استفاده کرد، (همانطور که در نمودار فوق نشان داده شد)، هر چند این صرف فرض است و واقعیت خارجی ندارد، در سایر مواردی که ادعای تواتر اجمالی شده حتی قابل تصور هم نیست تا چه رسد به تحقق خارجی آن.

### نتیجه گیری

از سه تعریف ارائه شده برای تواتر اجمالی، تعریف سوم (اختلاف در لفظ و معنا و هماهنگی در قدر مشترک) بهتر از دیگر تعریف هاست. بنا بر این تواتر عبارت است از: روایات زیادی که در لفظ و معنی با هم اختلاف دارند و دلالت آن‌ها هم از جهت وسعت و ضیق متفاوت است اما علم اجمالی داریم که برخی از این الفاظ از معصوم صادر شده است.

بر پایه این تعریف از تواتر اجمالی، خبرها در هیچ کدام از این دو قسم دلالت (تضمنی و التزامی) اشتراک ندارند هر چند در برخی لوازم دارای اشتراک هستند اما از آنجا که این لازم، جزو لوازم بعیده هستند به حد دلالت التزامی نمی‌رسد. آخوند خراسانی که خود مبتکر این اصطلاح است همین تعریف را قبول دارد با این قید که اگر روایتی که در دلالت از همه اخص است دلالت بر حجیت خبر واحد مطلقاً کند تبعاً می‌تواند دلیل بر حجیت خبر واحد قرار گیرد.

البته این تعریف هم همچون دو تعریف پیش از آن، دارای اشکال است. بنابر تعریف اول، تفاوت آن با تواتر معنوی روشن نیست. بنابر تعریف دوم، برخی از ایرادهای آن عبارتند از:

الف) علم به صدور یک روایت از معصوم جای تردید جدی دارد.

ب) عنوان تواتر بر آن ابهام دارد.

ج) علم اجمالی به صدور یک روایت که نه اصل آن مشخص است و نه محتوای آن

تعیین شده و نه از میزان دلالت آن خبر داریم، چه اثری می‌تواند داشته باشد؟

برخی از اشکالات تعریف سوّم عبارتند از: الف) تفاوت ماهوی بین تواتر اجمالی با تواتر معنوی وجود ندارد. ب) نوعاً تردیدی در دلالت اخص وجود ندارد. قدر متیقن و قدر مشترک به دلیل دیگری مانند سیره عقلاء، حدیث صحیح محفوظ به قرائن و ... قابل اثبات است.

نتیجه آن که به صرف اثبات تواتر اجمالی نمی توان به آن اکتفا نمود و لذا باید به دنبال دلیل دیگری برای اثبات قدر متیقن بود و وجود روایتی که دارای همه خصوصیات و اثبات قدر متیقن باشد (برای نمونه روایت فقیه امامی ثقه بدون واسطه که دلالت بر اعتبار خیر ثقه به طور مطلق کند) صرف فرض است.

## منابع

- **قرآن کریم.**
- آخوند خراسانی، محمد کاظم، (۱۴۱۰)، **دررالفوائد فی الحاشیه علی الفرائد**، اول، تهران، موسسه الطبع و النشر التابعه لوزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۰۹ق)، **کفایه الاصول**، اول، قم، موسسه آل البیت.
- آشتیانی، محمدحسن بن جعفر، (۱۳۸۸ش)، **بحرالفوائد فی شرح الفرائد**، اول، قم، ذوی القربی.
- آمدی، علی بن محمد، (۲۰۰۸م)، **الإحکام فی اصول الأحکام**، قاهره، مؤسسه الحلبي.
- ابن بابویه، ابی جعفر محمد بن علی (۱۴۰۴ق)، **من لا یحضره الفقیه**، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، دوّم، منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
- ابن حجر العسقلانی، أحمد بن علی، (۱۴۳۲ق)، **نزهة النظر فی توضیح نخبه الفكر فی مصطلح أهل الأثر**، تحقیق: نورالدین عتر، پاکستان، مکتبه البشری.
- ابن صلاح شهرزوری، عثمان بن عبدالرحمن، (۱۴۰۶ق)، **علوم الحدیث**، تحقیق: نورالدین عتر، دمشق، دارالفکر.
- ابن فارس، ابی الحسن أحمد، (۱۴۰۴ق)، **معجم مقائیس اللغه**، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الإسلامی.

- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، (۱۴۰۸ق)، **تحریب الحدیث**، تحقیق: عبدالله الجبوری، اول، قم، دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۵ق)، **لسان العرب**، قم، نشر ادب الحوزه.
- ابوزهو، محمد (۱۳۷۸ق)، **الحدیث و المحدثون او عنایة الامة الإسلامیه بالسنه النبویه**، اول، مصر، شرکه مساهمه مصریه.
- أنصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۴ق)، **رسائل فقهیه**، اول، قم، مؤسسه الکلام.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۹ق)، **فرائد الأصول**، اول، قم، مجمع الفکر الإسلامی.
- ایروانی، علی (۱۳۷۰ش)، **نهایه النهایه فی شرح الکفایه**، اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم.
- ایروانی، محمدباقر (۲۰۰۷م)، **الحلقه الثالثه فی اسلوبها الثانی**، اول، تهران، قلم.
- بجنوردی، حسن (بی تا)، **منتهی الأصول**، دوم، قم، کتابفروشی بصیرتی.
- بجنوردی، سیدمحمد بن حسن موسوی (۱۴۰۱ق)، **قواعد فقهیه**، سوم، تهران، مؤسسه عروج.
- بحرانی، محمد صنفور علی (۱۴۲۶ق)، **المعجم الاصولی**، دوم، منشورات نقش.
- بحرانی، یوسف (بی تا)، **الحدائق الناضره فی احکام العنبره الطاهره**، اول، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- بخاری، ابي عبدالله محمد بن إسماعیل (۱۴۰۱ق)، **صحیح البخاری**، بیروت، دارالفکر.
- بروجردی، سید علی (۱۴۱۰ق)، **طرائف المقال فی معرفه طبقات الرجال**، تحقیق: مهدی رجائی، اول، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- پاکتچی، احمد (۱۳۷۲ش)، **دایره المعارف بزرگ اسلامی**، تهران، بنیاد دایره المعارف.
- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۶ق)، **تنقیح مبانی العروه (کتاب الطهاره)**، اول، قم، دارالصدیقه الشهدیه.
- تهانوی، محمد علی (۱۹۹۶م)، **کشاف اصطلاحات الفنون**، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
- جلالی مازندرانی، محمود (۱۴۱۴ق)، **المحصول فی علم الأصول**، اول، قم، مؤسسه امام صادق.
- جمعی از محققان (۱۳۸۹ش)، **فرهنگ نامه اصول فقه**، اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

- جواهرى، محمدتقى (۱۴۲۸ق)، **غايه المأمول**، اول، قم، مجمع الفكر الإسلامى.
- جوهرى، اسماعيل بن حماد (۱۴۰۷ق)، **تاج اللغة و صحاح العربيه**، تحقيق: أحمد عبدالغفور عطار، چهارم، بيروت، دارالعلم للملایین.
- حائرى اصفهانى، محمدحسين بن عبدالرحيم (۱۴۰۴ق)، **الفصول الغرويه فى الأصول الفقهيّه**، اول، قم، دار إحياء العلوم الإسلاميه.
- حر عاملى، محمد بن حسن (بى تا)، **وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة**، تصحيح: عبدالرحيم ربانى شيرازى، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
- حسینی فیروزآبادی، مرتضى (۱۴۰۰ق)، **عناية الأصول فى شرح كفاية الاصول**، چهارم، قم، كتاب فروشى فیروزآبادی.
- حكيم، سيد محسن (۱۳۷۲ش)، **حقائق الاصول**، قم، مكتبة بصيرتى،.
- حلى، حسين (۱۴۳۲ق)، **اصول الفقه**، اول، قم، مكتبة الفقه و الاصول المختصة.
- خطيب بغدادى، أحمد بن على (۱۳۹۰ق)، **الكفايه فى علم الروايه**، سوم، حيدرآباد دكن، مطبعة دائرة المعارف العثمانيه.
- خمينى، روح الله (۱۴۱۵ق)، **أنوار الهداية فى التعليقه على الكفايه**، دوم، تهران، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى،.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۵ق)، **الرسائل، تعليقات**، مجتبی طهرانى، قم، اسماعيليان،.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۰ق)، **المكاسب المحرمه**، سوم، قم، موسسه اسماعيليان،.
- خوئى، سيد أبوالقاسم (۱۴۱۰ق)، **التنقيح فى شرح العروة الوثقى**، سوم، قم، دارالهادى،.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۶۴ش)، **المستند فى شرح العروة الوثقى**، مقرر: مرتضى بروجردى، قم، لطفى،.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۷ق)، **مصباح الاصول**، تقرير: محمدسرور واعظ الحسينى، پنجم، قم، مكتبة الداورى،.
- ذهنى تهرانى، سيد محمدجواد (۱۳۷۱ش)، **المباحث الاصوليه**، اول، قم،.
- راغب اصفهانى، أبى القاسم حسين بن محمد (۱۴۰۴ق)، **مفردات غريب القرآن**، دوم، دفتر نشر الكتاب،.
- رحمانى، محمد (۱۳۷۶ق)، **بحثهاى مقارن در علم الحديث (خبر متواتر)**، فصلنامه علوم حديث، دانشكده قرآن و حديث، شماره ۵.

- روحانی، محمد (۱۴۱۳ق)، **منتقى الاصول**، اول، قم، دفتر آیت الله سید محمد حسینی روحانی.
- روحانی، محمدصادق (۱۴۱۲ق)، **زبدۃ الاصول**، اول، قم، مدرسه الامام الصادق.
- زهیر، محمد ابوالنور (بی تا)، **اصول الفقه**، المكتبة الأزهرية للتراث.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۴ق)، **اصول الحدیث و أحكامه فی علم الدراية**، قم، مؤسسه الامام الصادق.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۸ق)، **البلوغ حقیقته، علاماته و أحكامه**، قم، مؤسسه الامام الصادق.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۲ش)، **تهذیب الاصول**، اول، قم، دارالفکر.
- سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۰۵ق)، **وسائل المرتضى**، تحقیق: سید احمد حسینی، قم، مطبعة الخيام.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۰۸ق)، **الرعاية فی علم الدراية**، تحقیق: عبدالحسین محمدعلی بقال، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي العامه.
- شیخ بهایی، محمد بن حسین (۱۳۹۰ق)، **الوجيزة فی علم الدراية**، اول، قم، نشر بصیرتی.
- شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن (۱۳۶۵ش)، **تهذیب الأحكام**، تحقیق و تعلیق: سید حسن موسوی خراسان، چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۱ق)، **الغیبه**، اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، **أوائل المقالات**، قم، المؤتمر العالمی لالیفیه الشیخ المفید.
- صبیحی صالح (۱۳۹۱ق)، **علوم الحدیث و مصطلحه عرض و دراسه**، بیروت، دارالعلم للملایین.
- صدر، محمدباقر (۱۴۱۸ق)، **دروس فی علم الاصول**، پنجم، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- صدر، سید حسن (بی تا)، **نهاية الدراية فی شرح الرسالة الموسومة بالوجيزه للبهائي**، تحقیق: ماجد غرباوی، قم، نشر المشعر.
- طباطبایی، سید محمدحسین (بی تا)، **حاشیه کفایه الاصول**، اول، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- طریحی فخرالدین (۱۴۰۸ق)، **مجمع البحرين**، تحقیق: سید احمد حسینی، دوم، مکتب النشر الثقافه الإسلامیة.

- طوسى، نصيرالدين (١٣٦٧ش)، **أساس الإقتباس**، تصحيح: محمدتقى مدرس رضوى، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- عاملى، حسن بن زين الدين (بى تا)، **معالم الدين و ملاذ المجتهدين**، نهم، قم، مؤسسه النشر الإسلامى.
- عتر، نورالدین (١٤١٨ق)، **منهج النقد فى علوم الحديث**، بيروت، دارالفكر.
- عجاج خطيب، محمد (١٤٠٩ق)، **أصول الحديث علومه و مصطلحه**، بيروت، دارالفكر.
- \_\_\_\_\_ (١٤٠٨ق)، **السنه قبل التدوين**، دؤم، قاهره، مكتبه وهبه.
- عراقى، ضياء الدين (١٣٦٢ش)، **نهايه الأفكار**، قم، مؤسسه النشر الإسلامى.
- علامه حلى، حسن بن يوسف (١٣٧١ش)، **الجواهر النضيد فى شرح منطق التجريد**، مصحح: محسن بيدارفر، پنجم، قم، انتشارات بيدار.
- فاضل لنكرانى، محمد (١٣٨٥ش)، **إيضاح الكفايه**، پنجم، قم، نوح.
- فضلى، عبدالهادى (بى تا)، **أصول الحديث**، بيروت، مؤسسه ام القرى للتحقيق و النشر.
- فياض، محمداسحاق (١٤١٩ق)، **منهاج الصالحين**، اول، قم، مكتب سماحة آية الله العظمى الحاج الشيخ محمداسحاق الفياض.
- فوزى عبدالمطلب، رفعت (١٤٠٠ق)، **توثيق السنه**، اول، مصر، مكتبه الخاتجى.
- قاسمى، جمال الدين محمد بن محمد (١٤٠٧ق)، **قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث**، بيروت، دارالكتب النفائس.
- كلينى، محمد بن يعقوب (١٣٦٧ش)، **الكافى**، تصحيح و تعليق: على أكبر غفارى، تهران، سوّم، دارالكتب الإسلاميه.
- كورانى، على (١٤١١ق)، **معجم أحاديث الإمام المهدي**، قم، اول، مؤسسه المعارف الإسلاميه.
- مامقانى، عبدالله (١٣٨٥ش)، **مقباس الهدايه فى علم الدرأيه**، قم، انتشارات دليل ما.
- مجلسى، محمدباقر (١٤٠٣ق)، **بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار**، دؤم، بيروت، مؤسسه الوفاء (دار إحياء التراث العربى).
- محقق حلى، جعفر بن حسن (١٤٠٣ق)، **معارج الاصول**، تحقيق: محمدحسين رضوى، اول، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
- محقق داماد، سيد مصطفى (١٤٠٦ق)، **قواعد فقه**، دوازدهم، تهران، مركز نشر علوم اسلامى.



- مدیر شانه‌چی، کاظم (۱۳۸۴ش)، **درایه الحدیث**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۰ش)، **اصول الفقه**، چهارم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۸ق)، **المنطق**، پنجم، قم، موسسه النشر الإسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (بی تا)، **دائرة المعارف فقه مقارن**، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵ق)، **نهایة الاصول**، اول، قم، انتشارات القدس.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۸۸ق)، **المنطق**، سوّم، نجف، مطبعة النعمان،
- مهدوی راد، محمد علی (بی تا)، «مدخل پژوهشهای حدیثی»، **دانشنامه جهان اسلام**، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۵۲ش)، **أجود التقریرات**، اول، قم، مطبعة العرفان.
- نجفی، محمدحسن بن باقر (بی تا)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، تصحیح: عباس قوجانی، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- واعظ الحسینی، محمدرور (۱۴۱۷ق)، **مصباح الاصول**، پنجم، قم، مکتبه الداوری.
- هاشمی شاهرودی، علی (۱۴۱۹ق)، **دراسات فی علم الاصول**، اول، قم، موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.
- هاشمی شاهرودی، محمود (بی تا)، **اضواء و آراء: تعلیقات علی کتابنا «بحوث فی علم الاصول»**، قم، موسسه دایره المعارف الفقه الإسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۷ق)، **بحوث فی علم الاصول**، سوّم، قم، موسسه دایره المعارف الفقه الإسلامی.

## **An Analysis of Overall *tawatur* and the Extent of its Implication**

**Sayyed Abolghasem Hosseini Zaydi<sup>1</sup>**  
**Muhammad Ibrahim Roushan Zamir<sup>2</sup>**

Received: 2016/12/06

Accepted: 2017/05/01

### **Abstract**

Broad and frequent narration of a hadith (*tawatur*) is one way for ensuring its authentication, about which Hadith scholars have made a wide range of researches. However, the newly founded term of "overall *tawatur*" has not been accurately defined. Three definitions can be deduced from the debates on it: a) numerous hadiths which do not agree on their explicit meaning but on the implicit one. b) Many Hadiths with different contents about some of which there is overall certainty for its being issued by the Infallible (PBUT). c) Many Hadiths differing literally and significantly, and also in their denotation being general or specific, but there is an overall certainty to some of these narrations being issued by the Infallible (PBUT) and that is the specific ones.

These definitions suffer from the following flaws: a) lack of a clear distinction between this and other kinds of *tawatur*. b) ineffectiveness of overall certainty to an indefinite narrative being issued by the Infallible (PBUT); c) ineffectiveness of overall *tawatur* according to the third definition as this specified narrative is ensured through other arguments like sound tradition which is accompanied with other evidences for its truth and etc. Moreover, according to Akhund Khurasani overall *tawatur* leads to authenticity of the narrative which is most specified from the other ones on the same issue; if such a narrative is to be found, it proves the authority of the utterance of the authentic, but such a narrative is a mere assumption.

**Keywords:** Tawatur, Overall tawatur, Common meaning, Authenticity of the narrative.

---

<sup>1</sup>. Assistant professor at Razavi University of Islamic Sciences. (corresponding author)  
Abolghasem.۶۵۵۸@yahoo.com

<sup>2</sup>. Assistant professor at Razavi University of Islamic Sciences

roushan۱۳۴۴@yahoo.com